

# پارده‌های ایران شناسی

دیالمه می‌شناساند و می‌گوید:

فولادوند شریف‌ترین خاندانی باشید در میان دیالمه... و این فولادوند مردی صدساله بود، تیر بالای او کمان گشته و حواس ظاهر او عزل نامه‌ی خویش خوانده. دیالمه گفتند به اتفاق، هر که سینه پیش زوبین به طوع و رغبت سپر کند و مرگه عار نشمرد، مهتری و سروری بر اولاد و احفاد او وقف کنیم و هیچ کس سر از ربقه‌ی طاعت او نگردانیم. فولادوند پیر بود؛ روز عمر او به وقت زردی آفتاب رسیده، این اختیار کرد و گفت: عمر من اندکی مانده است و هیچ اولی‌تر از آن نیست که عمری که ساعه فساعه سپری خواهد شد، صرف کنم در سیادت و ریاست فرزندان خویش تا دامن قیامت. پس خویشتن تسلیم کرد و آن مزراق را سینه هدف ساخت و به خوش منشی شربت آن ضربت، نوش کرد. حق تعالی او را اجل تقدیر نکرده بود... چند سال بعد از این عمر یافت و مهتری و تقیم دیالمه فرزندان او را مسلم شد. او را دو پسر بود، کیاک و فیروزان و عقب از کیاک، ماکان بود. از فیروزان، نصر بن الحسن... به خراسان افتاد. در ابتدای دولت محمودیان و در قصبه‌ی چشم آرز محال سبزواری او را ارتباط کردند و مدتی او را و لشکر او را مواجب و اخراجات و علوفات مهیا داشتند و با وی اتصال مصاهرت ساختند و این بزرگان از فرزندان او باشند و من جانب الام فقیه رئیس ابو عبدالله از فرزندان و نبیرگان او بود... و ریاست بیهقی در آن خاندان بماند. (تاریخ بیهقی، چاپ احمد بهمنیار، ۱۳۶۸، ص ۹۳)

## ۴- آمار کتاب خوانی در ایران

- ۱- هر ایرانی در سال فقط چند دقیقه کتاب می‌خواند.
- ۲- از کل دانشجویان کشور، تقریباً ۴۵ درصد آن‌ها، غیر از کتاب‌های درسی هیچ نوع کتاب یا نشریه‌ی نمی‌خوانند.
- ۳- هفتاد درصد دانشجویان دیناری برای خرید مطبوعات هزینه نمی‌کنند، یعنی حتی یک‌بار هم یک نشریه‌ی را در طول دوازده ماه نمی‌خرند.

## ۵- چند ماده تاریخ فوت چاپ نشده

- ۱- ماده تاریخ وفات محمدحسن سالک بیهقی از مرشد ای دهر که خلق می‌نمای مجلوب نابرده وصال می‌نمای منکوب مرشد پی تاریخ وفاتش بسرو د «سالک ز جهان رفت بفردوس قلوب» ۱۳۴۷ قمری

## ۱- ابوالحسن خرقانی

شیخ ابوالحسن خرقانی بر سر در خانقاه خودنوشته بود که: هر که در این سرای درآید، نانش دهد و از ایمانش مهرسید، چه آن کس که به درگاه پاری تعالی به طین آرزو البته برخوان بوالحسن به نان آرزو.

## ۲- اندر نسب رساندن سادات حسینی با شهریاران ایران و آداب ازدواج ایرانیان

متن: عنصرالمعالی، قابوس‌نامه

حکایت: چنان شنیدم که شهربانو دختری بود خرد، شهربانو را اسیر بردند از عجم به عرب، امیرالمومنین عمر رضی الله عنه فرا رسید، فرمود که وی را بفروشد، چون وی را در بیع بردند، امیرالمومنین علی رضی الله عنه فراز رسید و این خبر بپاد از رسول صلی الله علیه و سلم: لبس البیع [علی] ابناء الملوک، چون خبر بداد، بیع از شهربانو برخاست و او را به خانه‌ی سلمان فارسی بنشانند تا به شوی دهند. چون حکایت شوی بر وی عرضه کردند، شهربانو گفت: تا من شوی را نبینم به زن او نباشم. وی را بر منظره‌ی نشانند. سادات عرب را و یمن را بر وی بگذرانند تا آن کس که او را اختیار افتد به زن او باشد و سلمان پیش او بنشست و آن قوم را تعریف می‌کرد که این فلان است و این بهمان است و او هر کس را نقص می‌کرد، تا عمر بگذشته شهربانو گفت: این کیست؟ سلمان گفت: عمر است. شهربانو گفت: مردی بزرگ است اما پیر است. چون علی بگذشت، شهربانو گفت: این کیست؟ سلمان گفت: علی است، رضی الله عنه. شهربانو گفت: مردی بزرگوار است ولیکن فردا من اندر آن جهان بر روی فاطمه‌ی زهرا نتوانم نگریم و شرم دارم و از این جهت نخواهم. چون حسن بن علی بگذشت، چون حال او را دانست، گفت: لایق من است ولی بسیار نکاح است، نخواهم. چون حسین بن علی رضی الله عنه بگذشت، او پیرسید و بدانست و گفت: او درخور من است، شوهر من او باید که بود، دختر دوشیزه را شوی دوشیزه باید که بود، من شوی نکرده‌ام و او زن نکرده است. (قابوس‌نامه، چاپ سید نفیسی، ص ۹۹)

## ۳- فولادوندا در عصر غزنوی در سبزواری

علامه علی اکبر دهخدا در لغت‌نامه (به استناد مجمع التواریخ و القصص، ص ۴۸)، فولادوند را یک پهلوان تورانی معرفی می‌کند که به دست رستم کشته شده است. اما ابوالحسن بیهقی در تاریخ بیهقی، ضمن گزارش خاندان‌های کهن بیهقی خاندان فولادوند را تیره‌ی از

۲- ماده تاریخ وفات حاجی اشرف از حاج محمدعلی حسینزاده بیهقی متخلص به محزون:

از گردش چرخ دون اشرف ز جهان رفت

بر چرخ برین از خلق فریاد و فغان رفت

در اول شعبان شد عازم سوی جاتان

از سلسله‌ی منبر رونق ز میان رفت

تاریخ وفات او محزون به نوا گفت

افزای سه و برگو: (اشرف بجنان رفت) ۱۳۵۱ قمری

وله فیه

نصیر ملت و دین، اشرف خجسته فعال

یگانه منبع فضل و به نطق بی همتا

به سال سیصد و پنجاه و یک ز بعد هزار

به روز اول شعبان برفت از دنیا

۳- به تاریخ لیلہی سه شنبه ۲۱ شهر شوال المکرم ۱۳۵۲ مطابق ۱۷ بهمن ماه ۱۳۱۲ حاج میرزا حسین علوی سبزواری مرد و آقا عبدالحکیم و آقا میرزا مهدی شریعتمدار بر او نماز خواندند. دوازده روز از طرف مردم برایش تمزیه داری شد:

سه شنبه، بیست و یک از ماه شوال

هزار و سیصد و پنجاه و دو شد

۴- در فوت حاج محمدصادق توحیدی از محزون (بیهقی)

سمی حضرت صادق، مجسم اخلاق

به نام صادق و مصداق آیهی قرآن

به سال سیصد و پنجاه و یک ز بعد هزار

مه صیام سفر کرد و شد به باغ جنان

## ۶- گله از همشهریان

بدیع الزمان همنانی در هجو زادگاه خویش شعری دارد که اول از همه همنان را «اقیح البلدان» خوانده و سپس قریب به این مضمون گفته است:

صیبانه فی الوجه کالشيوخ

و شیوخه فی العقل کالصبيان

حافظ هم در مذمت همشهریان خویش ابیاتی دارد و از آن جمله

است که:

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش

باید برون کشید از این ورطه رخت خویش

فریدون توللی نیز در هجو شیرازیان، اشعاری دارد که چاپ شده

است و محتاج تکرار نیست. هم یکی از نوه‌های حاج ملاهادی

سبزواری به نام ضیاء الحق حکیمی متخلص به (ضیایی) که

سیدعلینقی امین شرح حال و نمونه‌ی اشعارش را در تاریخ سبزواری

آورده است در مذمت شهر سبزواری گفته است که تاکنون در جایی چاپ

نشده است:

هر بی سر و پای شده سالار و سر این جا

هر بی هنری لاف زند از هنر این جا

صاحب نظران را نبود قدر در این شهر

خون بار بود دیده‌ی صاحب نظر این جا

## ۷- ابوالحسن صدیقی

برجسته‌ترین آغازکننده‌ی پیکر تراشی حرفه‌ای در ایران، زنده‌یاد

استاد ابوالحسن صدیقی (۱۲۶۷-۱۳۷۴ ش) عموی سرکار خانم ناهید

صدیقی (همسر امیر فرهیخته و فرزانه تیمسار سرلشکر ناصر فرید) بود.

معروف‌ترین اثر او مجسمه‌ی فردوسی، شاعر ملی ایران است که در

میدان فردوسی در تهران جای دارد. اثر دیگر او، فرشته‌ی عدالت (کاخ

دادگستری، تهران) است.

## ۸- مهین الملک مزینانی

یکی از چهره‌های فرهنگی اواخر قاجار که برخاسته از مزینان

سبزواری و از دوستان پذیربزرگ من امین الشریعه بود، مهین الملک

مزینانی ست که همسرش خواهرزادگی خانم فخرالدوله (دختر

مظفرالدین شاه) مادر دکتر علی امینی بود، ولی اولاددار نشد و

میراث‌بری نداشت و لذا خانه‌ی خود را در کوچه‌ی در نزدیکی خیابان

صفی‌علی شاه که هنوز به نام او موجود است، وقف بیماران و

بیمارستان‌های تهران کرد.

مهین الملک مزینانی در تهران به عده‌ی از مشاهیر از جمله

علی اکبر داور (قبل از سفرش به سوئیس)، زبان فرانسه و ادبیات فارسی

تدریس کرده است. مهین الملک پس از بازگشت داور به ایران و تاسیس

تشکیلات ثبت املاک، در اداره‌ی ثبت اسناد و املاک استخدام شد.

## ۹- وحدت کرمانشاهی

طهماسب قلی خان وحدت کرمانشاهی (وفات ۱۳۱۱) از خوانین ایل

کلهر کرمانشاه، شاعری عارف مسلک است.

وحدت کرمانشاهی غزلی دارد به مطلع:

مقصد من وصل مولای من است

توشه‌ی من نیز تقوای من است

که بیت‌الغزل آن این است:

گاه‌گاهی این رکوع و این سجود کلمینی یا حمیرای من است

معنی این بیت بسیار دقیق و لطیف است. حمیرا نام عایشه

(زوجه‌ی حضرت رسول) است. به مضمون «ان هو الا وحی یوحی علمه

شدید القوی» پیامبر در هنگام نزول وحی با مبدا اتصال تام می‌یافت

به حدی که از خودی خود و جنبه‌ی بشری تهی می‌شد. پس برای این که

از آن اوج به مرتبه‌ی خلقی برسد و به انجام وظایف پیام‌آوری قیام

فرماید، به عایشه می‌فرمود که: ای حمیرا! با من سخن بگوی. در این

بیت وحدت کرمانشاهی می‌گوید: نماز گزاردن مرا از اوج توجه و اتصال

به حق بازمی‌دارد و به مرحله‌ی ادای مناسک و تکرار و تلقین آیات و

اذکار پایان می‌آورد و این مرتبه‌ی ست فوق آن چه مولانا گفته است:

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم

من این نماز حساب نماز نشمارم

وحدت کرمانشاهی غزل دیگری هم دارد که بسیار لطیف است:  
 آتش عشقم بسوخته خرقة‌ی طاعات را  
 سیل جنون در ربود، رخت عبادت را  
 ره بدهید امشیم مسجدیان تا به سحر  
 مستم و گم کرده‌ام راه خرابیات را

### ۱۰- قاضی ارداقی

شادروان شیخ علی ارداقی قزوینی معروف به قاضی قزوینی در انقلاب مشروطیت ایران سهمی دارد و در ۱۲۸۵ عضو محکمه‌ی جزا بوده است. محمدعلی شاه قاجار او را بر اثر مبارزات مشروطه خواهی به زندان افکند، سرانجام در همان زندان او را مسموم ساخت. در عکسی که در پایان کتاب در زیر تیغ تالیف دکتر سیف‌الله وحیدنیا چاپ شده است و زندانیان مشروطه را در بازداشت محمدعلی شاه نشان می‌دهد نفر اول همین قاضی ارداقی و نفر آخر برادر او موسوم به میرزا علی اکبر است. این اشعار هم اثر طبع اوست.

بیهده در کشور ایران مهوی

راحت و آزادی ملت مجوی

صحبت مشروطه به احمق مگوی

فذر فی خوضهم ملعبون

هیئات هیئات لما توعیون

یار خدایا به رجال وثقات

ده ز ره لطف به ملت نجات

در ره مشروطه به ما ده ثبات

به مصطفی و آله الطیبون

هیئات هیئات لما توعون

### ۱۱- حاج محمود مائیان

حاج محمود مائیان (۱۲۷۳-۱۲۹۹) از بازاریان ملی‌گرا و از اعضای فعال «سازمان اصناف و پیشه‌وران جبهه‌ی ملی» بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و همراه با مرحوم حسن شمشیری از احرار بازار به جزیره‌ی خارک تبعید شد. او به طبیعت مذهبی بود و در جلسات درس و تفسیر آیت‌الله سید محمود طالقانی (در مسجد هدایت که پس از دستگیری طالقانی، استاد محمدتقی شریعتی، به نیابت او آن را اداره می‌کرد)، نیز شرکت می‌کرد و به همین دلیل پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دوباره دستگیر شد. نه ماه در زندان قزل قلعه در زندان انفرادی محبوس ماند.

پیش از انقلاب ۱۳۵۷، مهم‌ترین اقدام او، مشارکت در جریان جشن عید قربان ۱۳۵۶ در کاروانسرا سنگی کرج بود که حزب ایران (به دبیر کلی دکتر شاپور بختیار) هم در آن مشارکت فعال داشت و به گزارش دکتر شاپور بختیار در خاطراتش، آن مجلس هزار و پانصد نفری را ماموزان ساواک که یونیفورم کارگران کارخانه‌ی ایران خودرو بر تن کرده بودند، با چوب و چماق برهم زدند و همه‌ی حاضران را با پای برهنه به فرار واداشتند. بختیار می‌نویسد که دست او هم در این ماجرا شکسته است. حاج مائیان هم در این غوغا مضروب و مجروح شد.

حاج مائیان در انقلاب ۱۳۵۷ در طول اعتصاب مطبوعات، برای کمک به روزنامه‌نگاران، با داخل چمدان پول نقد می‌آورد و جمعی از اعتصاب‌کنندگان به قدر حقوق خود از آن ممر اعانه می‌گرفتند. وی، به طبیعت، مرام مذهبی و احساسات دینی داشت و در حسینیه‌ی ارشاد فعال بود و در بجه‌ی انقلاب ۱۳۵۷ با روحانیون همکاری و مشارکت کرد. به اتفاق دکتر کریم سنجابی برای دیدار آیت‌الله خمینی رهبر انقلاب به نوفل لوشاتو در حوالی پاریس رفت. در آن تاریخ محبوبیت آیت‌الله خمینی به نوعی بود که دکتر کریم سنجابی (رهبر جبهه‌ی ملی) و اللهیار صالح (رهبر حزب ایران) هر دو بی‌قید و شرط از او به عنوان رهبر روحانی / سیاسی انقلاب حمایت کردند.

نظام جمهوری اسلامی، البته پس از تثبیت کامل قدرت در ۱۳۶۰ خود را از میلیون، بی‌نیاز یافت و عده‌ی از فعالان جبهه‌ی ملی (از جمله محمود مائیان مذهبی مرام) را دستگیر و زندانی کرد.

### ۱۲- سرتی پیر جلدی

عبدالرفیع حقیقت (رفیع) از مولفان سخت‌کوش و پرکار معاصر است. یکی از تالیفات ارزشمند او دوره‌ی دوازده جلدی نگین سخن است که شامل شیواترین آثار منظوم ادبیات فارسی است. بخش پایانی مجلدات اخیر این اثر، شامل نام و شرح حال مختصر شاعرانی است که اشعارشان در همان مجلد از این کتاب به چاپ رسیده است. از جمله در پایان مجلد دوازدهم، شرح حال شاعران زیادی درج است ولی درباره‌ی یکی از آن‌ها می‌خوانیم: «بدیع‌الزمان سرتی پیر جلدی از شاعران زبان پارسی است. شرح احوال او به دست نیامد.»

جهت اطلاع جناب عبدالرفیع حقیقت، به اطلاع می‌رساند که شرح حال بدیع‌الزمان سرتی را این بنده در مجلد نهم دایرة‌المعارف تشیع، درمدخل «سرتی قائنی، سید بدیع‌الزمان» نوشته‌ام. دیوان اشعار او نیز اخیراً به اهتمام دکتر محمود رفیعی توسط انتشارات هیرمند به چاپ رسیده است و نسخه‌ی بی از آن را آقای مهدی افتخاری از بیرجند به من فرستاده‌اند که چون این اتحاف به خطی خوش تحریر یافته است، عیناً در اینجا گراور می‌شود.

برجیس

بجزر بهشت، دست‌بندگله، دست‌گردان  
 بنهر رهند، لایب فرخنده، شرم‌مایل  
 جنب‌کعبه ز نور زلفی زلفی، شاد و شاد  
 در آستانه، دست‌بندگله  
 بیرجند - آذر ۱۳۸۵

خطی خوش بر پشت دیوان سرتی پیر جلدی

## مناسبت‌های مهرماه

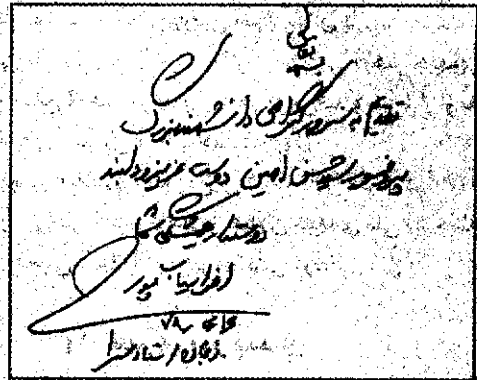
- یکم مهر: روز بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها. روز تولد حسین منزوی (۱۳۲۵)، شاعر که نمونه‌ی شعر او را در همین صفحه می‌بینید.
- دوم مهر ۱۳۱۲: زادروز منوچهر آتش، شاعر که زندگی‌نامه‌ی خودنوشت او را در صفحه‌ی ۴۳ ماهنامه‌ی شماره‌ی ۲۱ (آذر ۱۳۸۳) چاپ کردیم.
- چهارم مهر ۱۲۸۸: انتشار اولین نشریه‌ی زنان به صاحب امتیازی خانم دکتر کمال (دختر یعقوب جدیدالاسلام).
- پنجم مهر ۱۳۲۰: روز تبعید رضاشاه پهلوی از ایران به دست انگلیس، یک شماره‌ی ۴۴ (شهریور ۱۳۸۶)، رضاشاه از برآمدن تا سقوط...
- پنجم مهر ۱۳۶۰: روز شکست حصر آبادان (عراق پس از اشغال خرمشهر (خونین شهر) در آبادان ۱۳۵۹، آبادان را از طریق شرق کارون و شمال بهمنشیر محاصره کرد. اما سپاه و ارتش با «عملیات تامن‌الامنه» که در ۱۵ شهریور ۱۳۶۰ شروع شده بود، در پنجم مهر ۱۳۶۰ بر مواضع مقدم عراقی‌ها هجوم برد و خاکریزهای اولیه‌ی دشمن را بدون زد و خورد اشغال و آبادان و را از محاصره‌ی آنان خارج کرد).
- ششم مهر ۱۲۸۶: تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت توسط مجلس.
- هفتم مهر / ۲۹ سپتامبر: روز آتش‌نشانی و ایمنی.
- هشتم مهر: روز جهانی ناشنوایان.
- نهم مهر: روز سالمندان.
- دهم مهر: جشن مهرگان (برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به مقاله‌ی «مهرگان خجسته باد» به قلم دکتر ناصر نکمیل همایون، در ماهنامه‌ی شماره‌ی ۷ (مهر ماه ۱۳۸۳)، ص ۱۲).
- یازدهم مهر ۱۴۰۰: کشته‌شدن کلثم محمدنقی خان پسیان (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مقاله‌ی «بازتاب مقاومت کلثم پسیان» به قلم پروفسور سیدحسن امین در ماهنامه‌ی شماره‌ی ۲۹ (خرداد ۱۳۸۵)، ص ۳۹-۵۲).
- در ۱۳۳۲/۷/۱۱ دادستان ارتش ضمن صدور کیفرخواست علیه دکتر محمد مصدق برای او تقاضای مجازات اعدام کرد.
- سیزدهم مهر: روز نیروی انتظامی.
- چهاردهم مهر: روز دامپزشکی.
- شانزدهم مهر: روز جهانی کودک.
- هفدهم مهر: روز جهانی پست.
- هیجدهم مهر ۱۳۸۲: اعطای جایزه‌ی صلح نوبل به خانم شیرین عبادی.
- بیستم مهر: روز بزرگداشت حافظ.
- بیست و دوم مهر: روز جهانی استاندارد.
- بیست و سوم مهر: روز جهانی تخصیص سفید (حقوق ثابتیان).
- بیست و چهارم مهر: روز پیوند اولیا و مربیان.
- بیست و ششم مهر: روز تربیت بدنی و ورزش.
- بیست و نهم مهر: روز صلوات.

### در گذشتت جلیل بزرگمهر

سرهنگ جلیل بزرگمهر (زاده‌ی ۱۲۹۱ تهران، فرزند شیخ عبدالحمید مجتهدی از روحانیون لنکرانی‌الاصول تهران)، وکیل تشخیزی زندان‌نام دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی و مولف کتاب‌های دکتر مصدق در محاکمه‌ی نظامی در دو جلد تقریرات مصدق در زندان (تنظیم از استاد ایرج افشار) و چندین کتاب دیگر، در مهرماه ۱۳۸۶ از دنیا رفت. در شماره‌های پیشین مجله شعر را که وفد جلیل کرمانشاهی برای سرهنگ بزرگمهر ساخته بود، چاپ کردیم.

### ۱۳- نمونه‌ی خط دکتر افراسیاب پور

یکی از همکاران مجله‌ی حافظ، دکتر علی‌اکبر افراسیاب‌پور است. نمونه‌ی خط او مورخ ۱۳۷۸ بر صفحه‌ی آغازین یکی از تالیفات او، در این جا به یادگار آورده می‌شود.



### ۱۴- شعر منزوی برای گوهر مراد

حسین منزوی کر آخرین صفحه‌ی «از شوکران و شکر» (مجموعه‌ی غزل، نشر آفرینش، ۱۳۷۳) نوشته است که غزل زیر را در سوگ غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) ساخته است و «این غزل را با صورتی مغشوش سال گذشته و در یاد مرگ ساعدی، مجله‌ی [...] چاپ کرد. بی آن که بدانم آن نسخه‌ی مفلوط را از کجا آورده است.» (ص ۲۷)

آن گل که اسپر تند بادی بود  
از حافظه‌ی بهار، بادی بود  
مهری زده بر جبین تاریکی  
با روشنی ستاره زادی بود  
دل کتنه ز خاک و رفته تا افلاک  
در غربت دشت گردبادی بود  
از باروی سربلند بیداری  
آن سوی غبارها، سواری بود  
از غیرت و از اراده تمثیلی  
وز مردی و مردمی، نمادی بود  
فرزند قلم، برادر فریاد  
عصیان، نسب هنر نژادی بود  
در پست و بلند محنت و راحت  
خود کوه شکنجه را، چکادی بود  
انگار نبود و بود اگر انگار  
خاکنی تن آسمان نهادی بود  
بر گردن ابلهی که ایام است  
آن گمشده «گوهر مراد» بود